اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد به اینکه راجع به همین به مناسبت این دو نفری که مرحوم شیخ صدوق به حسب ظاهر از استادش از این دو نفر نقل می‌کند عرض کردیم یک بحث راجع به تفسیر امام عسکری است که نمی‌خواهیم وارد آن بحث بشویم آن بحث خودش را می‌خواهد بحثی را که الان ما داشتیم که این دو نفری را که ایشان اسم برده نه اینکه مجهولند یا حالا به قول بعضی‌ها ثقه هم هستند یا بحث در وثاقتشان بشود و دیدیم خواندیم که در خود تفسیر آمده که پدران ما برگشتند شیخ صدوق در فقیه که نقل می‌کند می‌گوید عن ابویهما عن العسکری ابن غضائری هم دارد که عن ابویهما که اصلا عرض کردیم این را نوشتند آقایان دیگر هم نوشتند که بالاخره معلوم شد که این تفسیر عن ابویهماست یا هما عن ا لامام .**

**خوب ببینید اصولا دروغ چون واقعیت ندارد وقتی کسی دروغ می‌گوید یک قسمتی را می‌خواهد نشان بدهد واقع خودش جهات مختلف دارد واقع یک قسمت که نیست که لوازم دارد اطراف دارد فلان ، مثلا ایشان گفت سبع سنین آن وقت دروغ گفت سبع سنین خوب نمی‌دانسته که تاریخ امامت امام عسکری معین است وفات ایشان این با آن اصلا نمی‌خواند به دوران امامت امام نمی‌خواند این یکی از نکاتی که در باب دروغ الان خیلی راحت می‌شود قضایا را پی برد یکی‌اش همین است با لوازم تاریخی‌اش با لوازم خودش چون واقعی نیست دیگر دروغ که واقعی نبود این است ، یکی از آثار اساسی دروغ این است که یک طرف را می‌گوید خوب گیر می‌کند مثلا آن قصه‌ای که عرض کردم گفت آن گرگی که حضرت یوسف را نخورد اسمش دردائیل بود مثلا خوب نخورده بود دروغ بود گفت خیلی خوب آن گرگی که نخورده بود خوب وقتی که آدم دروغ گفت دروغ این است دیگر طبیعت دروغ این جوری است آن وقتی آن که نخورده بود و الی آخره .**

**می‌گویند یکی گفته بود که مثلا پدر من یک دیگی داشته که آن را در کوه می‌گذاشته است ، یکی هم گفت مثلا پدر من یک ملاقه‌ای داشت این طور و آن طور و اوضاعی آن به تو گفت که مرد حسابی این ملاقه‌ی به این بزرگی به چه دردی می‌خورد گفت به درد دیگ پدر تو ، دیگی که تو تصور کردی یک چنین ملاقه‌ای هم می‌خواهد حالا دروغ طبیعتش این است آدم وقتی دروغ گفت دیگر نمی‌فهمد که سبع سنین معنا ندارد اصلا ، دیگر توجه ندارد صدوق در کتابش دارد عن ابویهما در تفسیر دارد ابویهما برگشتند اصلا نزد امام عسکری نماندند اصلا با بچه‌ها برگشتند .**

**علی ای حال می‌گویم مطالب چون واضح است سخیف است اصلا وارد بحثش نمی‌خواستیم بشویم .**

**یکی از حضار : گفت که در دریا مبتلا شدم و نهنگ دنبالم کرد رفتم بالای درخت گفتم که در دریا درخت نیست گفت مبتلا نشدی**

**آیت الله مددی : درخت هم دارد ، علی ای حال آقا این دروغ‌ها همین جور پشت سر هم چون می‌خواهم یک نکته‌ای سر این سند ساختگی هم صحبت کنیم .**

**خوب امروز داشتم تا حالا فکر نکرده بودم امروز داشتم با خودم فکر می‌کردم که بنده‌ی سرا پا تقصیر عرض کردم که در قم مخصوصا شیخ صدوق برای فرهنگ حدیث شیعه خیلی خوب است ، خوب گفتیم ممکن است آقایان اعتراض بکنند اگر شما دنبال این حرف هستید آیا تفسیر امام عسکری هم جزو فرهنگ حدیث شیعه است تفسیری با این وضع با این ترتیب با این اوضاع این هم چه کسی غیر از قمی‌ها غیر از ایشان نقل کرده آن آقایی که گفتند کذاب و وضاع و فلان و اصلا معقول است چنین شخصی با این اوصاف به اصطلاح این مثلا جزو فرهنگ حدیثی شیعه باشد در ذهنم داشتم چون من امروزها کمتر راه می‌روم و همین طور دراز هم می‌کشم فکر می‌کنم انواع مختلف یکی‌اش هم همین .**

**بعد گفتم نکند واقعا این نکته‌ای را که مرحوم شیخ صدوق در فقیه به کار برده اشاره به همین بوده چون در متن فقیه دارد روی لی این کلمه‌ی لی یعنی برای فرهنگ نبوده برای علمای قم نبوده است دارد روی لی محمد بن القاسم اگر واقعا صدوق این نکته را در ذهن داشته خیال ما را راحت کرده که هیچ معلوم می‌شود واقعا دقیق بوده است این نکته روی لی یعنی برای مشایخ قم این طور نبوده که بقیه‌ی مشایخ هم این را شنیده باشند این فقط برای من .**

**یکی از حضار : چرا صریح و روشن اینها را نگفتند احاله‌ی به وضوحش در زمان خودش می‌کردند فکر می‌کردند واضح می‌دانند .**

**آیت الله مددی : فکر می‌کردند نه الان هم که من گفتم خیلی هم اخفاء ندارد .**

**یکی از حضار : اصلا در معانی الاخبار تعبیرش این است حدثنا محمد بن القاسم الجرجانی است**

**آیت الله مددی : بله اگر حدثنا باشد مشکل است حالا بله اینجا روی لی دارد اگر حدثنا باشد حالا آن‌ها را هم می‌خوانیم متعرض آن‌ها هم می‌شویم .**

**غرض من گفتم نکند مرحوم صدوق قدس الله نفسه در این کتابی که به عنوان حجت بوده می‌خواسته اشاره کند بعدش هم لذا عرض کردم باز هم در مشیخه که آمده این را آورده است باز دو مرتبه و ما کان فیه فلان فقد حدثنی به شاید این دو تا نکته اشاره به این بوده که این مطلب را در قم نقل نکرده مشایخ قم نشنیدند در فرهنگ حدیثی شیعه در قم نیامده این فقط برای من نقل کرده است . حالا اشکال شما آقای مختاری اما اگر این دو کار ایشان را چون عرض کردیم ایشان**

**یک نفر دیگر هم هست البته اما متعارف ایشان نیست که در کتاب بگوید روی لی فلان بعد در مشیخه و ما کان عن فلان فقد حدثنی به خوب خودش گفت روی لی دیگر حدثنی به معنا ندارد یک احتمال دادند که آوردن ایشان در نام ایشان در مشیخه و این تعبیر روی لی اشاره باشد در حقیقت به مساله‌ی اینکه شیخ صدوق می‌خواهد اشاره بکند که این حدیث در حد فرهنگ حدیثی شیعه نبوده جا نیافتاده بین علمای شیعه‌ی قم این حدیث جا نیافتاده است .**

**احتمالش قوی است علی ای حال خیلی حالا آن چه را که ما در نظر داشتیم بیشتر این است که آن دو نفری که ایشان یا خودشان یا پدرانشان اینها اصلا موهوم هستند بحثی را که ما الان کردیم این که الان ما کردیم اینکه الان متعارف است بعضی می‌گویند مجهول بعضی می‌گویند مهمل به نظر ما مجهول نیستند اصلا ساختگی هستند خود این محمد بن قاسم استر آبادی این ها را ساخته است .**

**حالا برای اینکه این مطلب تا یک حدی روشن تر بشود یک مقداری از احادیث همین محمد بن قاسم استر آبادی غیر از فقیه آن در فقیه بود یک حدیث واحد بود در عده‌ای از کتب از ایشان آمده بخوانید بابا از همین احادیثی است که محمد بن قاسم حدثنا ، اگر حدثنا گفت لا اقلش این است که مثلا در قم گفته است مثلا حالا به عبارت دیگر ظاهرش این است که در یک جمعی بود رفتند مثلا عده‌ای از طلاب قم نزد ایشان فضلای قم ایشان حدیث کرده حالا ممکن هم هست ایشان آمده در قم حدیث کرده صدوق این حدیث را تنها از او شنیده لکن حدثنا می‌گوید یعنی حدث اهل قم به عنوان اهل قم این هم می‌شود تصور کرد یعنی این هم قابل تصور است این را بعد توضیحی مختصرا عرض می‌کنم بفرمایید .**

**یکی از حضار : ببخشید از توحید بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : هر کدام بود دیگر من در امالی بیشتر دیدم چند تا در امالی دیدم به نظرم در نسخه‌ی امالی خودم پشت کتاب نوشتم عن قاسم بن محمد ، محمد بن قاسم مفسر استر آبادی نوشتم .**

**یکی از حضار : غیر از صدوق کسی دیگر هم دارد از ایشان یا فقط صدوق**

**آیت الله مددی : صدوق است منحصر است**

**یکی از حضار : در سنی‌ها هم ابن مغره که همزمان با صدوق بوده دو تا نقل از این آقا دارد که اسمش و لقبش و همه چیزش به این آقا می‌خورد .**

**آیت الله مددی : اما آن**

**یکی از حضار : نسبش را بخوانم چون نسبش را تا ابوبکر رسیده نوه‌ی محمد بن ابی بکر است نتیجه‌ی محمد بن ابی بکر است**

**آیت الله مددی : اما بعید می‌دانم آن باشد بعید می‌دانم . حالا بفرمایید آن بحث دیگری است که ما الان دنبال آن نیستیم بگویید شما .**

**یکی از حضار : صدوق در مرحوم صدوق در امالی دارد که حدثنا محمد بن القاسم که اینها را رد می‌کنم آنهایی که یقینی تر است را باید**

**آیت الله مددی : نه فرق نمی‌کند یکی است محمد بن قاسم**

**یکی از حضار : عن محمد بن القاسم قال حدثنا یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن همین است آقا و علی بن محمد بن یسار عن ابویهما عن الحسن بن علی بن محمد بن**

**آیت الله مددی : خوب این که امام عسکری است این که همان است خیلی خوب امام عسکری است دیگر**

**یکی از حضار : این متنش که در تفسیر نیست فقط در**

**یکی از حضار : این فقط در امالی می‌خواهید نگاه کنم در تفسیر هست فقط یک مطلبی که هست اینکه در امالی اینجا الان رضی الله عنه ندارد آن که در توحید چاپ شده همه‌اش رضی الله عنه دارد**

**آیت الله مددی : باید داشته باشد چون شیعه بوده واضح است شیعه بوده بفرمایید .**

**یکی از حضار : این حدیث احبب فی الله وابغض فی الله من ببینم این در تفسیر هست یا نه**

**آیت الله مددی : حالا آنهایش خیلی مهم نیست من چون**

**یکی از حضار : چرا همین است در تفسیر همین است**

**آیت الله مددی : بله واضح است .**

**یکی از حضار : چون حالا داریم سندها را می‌خوانیم من فقط**

**آیت الله مددی : علی ای حال اگر این مطلب درست باشد اجمالا در آنجایی که کتاب حجت است گفته روی لی آنجایی که کتاب حجت نبوده مصنف بوده گفته حدثنا ، بین دو تا تعبیر فرق گذاشته است بفرمایید .**

**یکی از حضار : یکی اینکه در اجازات هم یکی در اجازه‌ی بنی زبیر یکی هم در اجازه‌ی شیخ علی محقق کرکی هم یعنی دو تا طریق به این تفسیر هست اگر خواستید یک وقت بخوانم**

**آیت الله مددی : اجازه‌ی شهید ثانی هست به ایشان**

**یکی از حضار : خوب شهید ثانی نقل می‌کند از امام عسکری**

**آیت الله مددی : بله والنتبرک بذکر حدیث بعد می‌گوید اخبرنی فلان عن شیخ الطوسی عن الصدوق اجازه‌ی کبیر بنی الزهرة نه برای علامه است که شهید ثانی نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : همان طریق شهید مگر به همان نمی‌رسد الان**

**یکی از حضار : همان طریق بنی است دیگر**

**آیت الله مددی : نه می‌دانم ایشان طریقش یعنی طریق علامه است مطلقا ایشان اصلا می‌گوید تبرک می‌کنم به ذکر حدیث در این اجازه آن حدیث را از تفسیر امام عسکری می‌آورد همان حدیثی هم به عنوان تبرک و لذا عده‌ای هم فی ما بعد گفتند که این معلوم می‌شود که در اجازات بوده است عرض کردیم یک بار دیگر هم گفتیم تلفیق است این متوجه نشدند این تلفیق اجازات است یعنی یک اجازه‌ای به شیخ طوسی داشته شیخ طوسی هم یک اجازه‌ای به صدوق داشته برداشته این دو تا را چسبانده صدوق هم از این محمد بن قاسم نقل کرده است، و الا شیخ طوسی هیچ کجا از این تفسیر نقل نمی‌کند اصلا اسم این را هم نمی‌برد نه اینکه نقل نمی‌کند متعرض این ، ابن غضائری به این تندی متعرض شده در حدی است که ارزش ذکر ندارد اصلا دقت می‌کنید . این اصطلاحا تلفیق است این را اجازه می‌دادند یعنی انصافا ولو خود ما هم می‌گوییم خیلی فنی نیست یعنی انصافا فنی نیست کسی که استاد فن است می‌داند که شیخ طوسی از این نقل نکرده نباید این تلفیق را انجام بدهد .**

**یکی از حضار : این اجازه‌ی محقق کرکی است اما در اجازه‌ی بنی زهره این طریق**

**آیت الله مددی : نه در اجازه‌ی شهید ثانی در اجازات بحار چاپ شده است .**

**یکی از حضار : حدیث ندبه را دارم عرض می‌کنم یک حدیث ندبه هست چون شما دنبال سندهای دیگر بودید در آن حدیث ندبه می‌رسد به**

**آیت الله مددی : حدیث ندبه‌ی برای حضرت سجاد یا نفس و فلان آن هم جعلی است حدیث جعلی است .**

**یکی از حضار : عن ابی القاسم علی بن محمد عن ابی جعفر محمد بن بابویه عن ابی محمد اینجا احتمالا اشتباه شده عن محمد بن قاسم بن محمد بن**

**آیت الله مددی : خوب همین دیگر اشتباه شد باید درستش کرد**

**یکی از حضار : نه این برنامه ظاهرا اشتباه کرده ظاهرا در چاپی ابی بکر است .**

**آیت الله مددی : بله**

**یکی از حضار : ابی بکر محمد بن قاسم بن محمد که اسم جدش هم اینجا آمده الاستر آبادی عن عبدالملک بن ابراهیم و علی بن محمد بن سیار عن ابی یحیی ابن عبد الله بن زید العمری عن سفیان بن عیینه عن الزهری**

**آیت الله مددی : بله حالا چون بعد هم این غیر از این سند ایشان از راه طرق سنی‌ها نقل کرده این از طرق سنی‌ها در کتب صدوق هست لذا ایشان از صدوق نقل کرده است در کتب صدوق هست غیر از امام عسکری این شما تصادفا اولین حدیثی که خواندید از امام عسکری است غیر از این هم دارد از سنی‌ها نقل می‌کند حالا بخوانید من لذا می‌گویم بخوانید تا روشن بشود .**

**یکی از حضار : می‌خواستم عرض کنم چون به طریق صدوق**

**آیت الله مددی : طریق ایشان به سنی‌ها هم هست حالا یک نکته‌ای را من عرض می‌کنم بگذارید خوانده بشود تا بعد نکته‌ی ما گفته بشود، در امالی صدوق نگاه کنید در**

**یکی از حضار : امالی صدوق این اولش بود همان اول حدیث شماره 21 مسلسل 21 بعد در حدیث 172 فرموده که حدثنا محمد بن القاسم الاستر آبادی رضی الله عنه می‌گوید در نسخه این جوری بوده محمد بن ابی القاسم الاستر آبادی**

**آیت الله مددی : خوب وقتی که روشن نباشد ایشان**

**یکی از حضار : قال حدثنا احمد بن الحسن الحسینی**

**آیت الله مددی : خوب**

**یکی از حضار : عن الحسن بن علی عن ابیه عن**

**آیت الله مددی : خوب اصلا شما نگاه کنید احمد بن الحسن الحسینی در رجال اصلا اسمش آمده یا نه یکی از حالا چند تا دیگر بخوانید تا من توضیحاتش را بدهم این که به امام عسکری باید برگردد مثل آن دو تا این دفعه با یکی برگرداند خدا پدرش بیامرزد این دفعه با یکی به امام عسکری ، چون صدوق متوفای 381 است امام عسکری هم که 260 است این فاصله‌ی 121 ساله را از قاسم از یکی دیگر می‌شود امکان دارد خیلی سنگین نیست بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله این احمد بن الحسن الحسینی روایتی که از او هست منحصر به همین طریق است یعنی محمد بن**

**آیت الله مددی : همه جا منحصر به همان است ، ملتفت شدید ؟**

**یکی از حضار : این آقا از این سند**

**آیت الله مددی : آخر آن مقبل شاعری بود که شعری گفته بود گفت دیوانه شود مقبل در ماه محرم یکی نشسته بود گفت در ماه صفر هم ده ماه دگر هم این طور نیست از این مجاهیل این دو تا نیستند آن در مقابل صفر هم ده ماه دگر هم این طور نیست که فقط در ماه محرم دیوانه بشود این آقا از این ابتکاراتش فقط در تفسیر امام عسکری نیست حالا بخوانید .**

**یکی از حضار : این طریق را در امالی دارد در عیون دارد در معانی هم دارد .**

**آیت الله مددی : می‌دانم اما همه‌اش برای همان قاسم استر آبادی است .**

**یکی از حضار : بله همان ترتیبی که عرض شد اما همه‌اش کار همین آقای**

**یکی از حضار : یعنی این روایت در سه تا کتاب آمده است ؟**

**یکی از حضار : خود سند ، روایت‌های دیگر هم هست بله ، تکرار روایت را عرض کردم .**

**آیت الله مددی : دقت می‌کنید ؟ من خلاصه‌اش را بگویم این شخص خبرویتش در این بود که از یک شخصیت معروف یا شیعه یا سنی توسط یک مجهول نقل می‌کند یعنی اولی کاملا مجهول ، مجهولی که هیچ کجا اسمش نیست بعد امام عسکری ، بعد اهل سنت حالا این بیاید روایت بعد از این بزرگان اهل سنت اما اولی را هیچ کسی نمی‌شناسد جعل کرده دیگر برداشته ، این موهوم است یعنی این شخصی یعنی ایشان ابداع ایشان تمام مشایخ ایشان موهوم هستند یعنی فقط این قسمت امام عسکری نیست یک تخصصی است خودش برای اینکه شناخته نشود دقت فرمودید چه شد یک حدیث جعلی درست می‌کرد یک حدیث شنیده بود این سندش این جوری این حالا چند تا سند شما بخوانید اگر دقت کنید این فن کار این آقا را برای اولین بار چون تا حالا کسی متعرض نشده فن این شخص را من تشخیص دادم این کارش این است .**

**یکی از حضار : الان حدیث بعدش همان سند ابتدای تفسیر است .**

**آیت الله مددی : رهایش کن دیگر تفسیر نمی‌خواهد بخوان بعدش**

**یکی از حضار : عن ابویهما را باز دوباره اضافه شد**

**آیت الله مددی : مختلف است بعضی‌هایش دارد خیلی خوب**

**یکی از حضار : عن الحسن بن علی و چون تفسیر است احتمالا در تفسیر هم باشد .**

**آیت الله مددی : حالا آنهایش را کار نداشته باشید ما الان فعلا ببینید سند را دیگر قاسم بن محمد یک هنر عجیبی است یعنی یک نکته‌ی عجیبی است .**

**یکی از حضار : اینجا جالب است که گفته است اسناد قاطی تر هم شده است ، شده که حدثنا محمد بن القاسم الاستر آبادی رحمه الله قال حدثنا احمد بن الحسن الحسینی که سبقت ذکره عن الحسن بن علی بن الناصر**

**آیت الله مددی : بله بعید نیست می‌گویم اولی مجول است دومی حسن بن علی بن ناصر کبیر مثلا یک شخصیتی را می‌آورد بازی دارد**

**یکی از حضار : ادامه‌اش خراب می‌شود عن الحسن بن علی ناصر عن ابیه عن محمد بن علی البته ناصر را اشتباهی اضافه کرده است .**

**آیت الله مددی : بله اشتباه است حالا اشکال ندارد خیلی خوب بفرمایید شاید این آقا خیال کرده حسن بن علی همان ناصر کبیر است نه این ساختگی است اصلا آن وقت نکته را دقت کنید یک دفعه ببینید مثلا یک کتابی ما گفتیم ابن ابی جمهور این جور بوده یک کتابی دیده درش یک حدیثی هست مثلا برای نوشته محمد بن یعقوب عن محمد بن محمد بن محبوب مثلا گفتیم این آقا چون وارد نبوده سند خودش را تا محمد بن یعقوب کلینی آورده بعد این را به آن چسبانده حالا این یک راه ، حالا بالاخره یک ورقه‌ای دیده حالا آن ورقه چه بوده خدا می‌داند اینجا آقایان آمدند گفتند این محمد بن محمد بن محبوب مجهول است گفتیم این اصلا موهوم است وجود ندارد این محمد بن علی بن محبوب است این محمد بن محمد نیست این هم کلینی از او نقل نمی‌کند این هم دروغ است حالا بالاخره یک ورقه‌ای دیده یک چیزی دیده یکی مثل همان قاب زیدٌ که عرض کردیم قصه‌اش را گفتم برای شما ؟**

**آخر یک کسی از طرف رضا خان بود یک کسی هم از طرف آقای حائری برای امتحان طلبه‌ها که این طلبه ، یک طلبه‌ای را پرسیدند که قام زیدٌ را اعرابش کن گفت که قام مبتدا آن آقایی که از طرف رضا خان بود گفت این آقا غلط کرد بیخود گفت این که از طرف حائری بود گفت بابا طلبه است یک مبتدایی شنیده حالا جا به جا به کار برده است بالاخره طلبه که طلبه است دیگر آن بقال عادی هم که مبتدا نشنیده حالا بد به کار برد . این عوالی اللآلی بد به کار می‌برد یک چیزی شنیده چند تا سند برداشته دیده با هم دیگر چسبانده خوب بالاخره یک ورقه‌ای را دیده رویش نوشته زراره یک سندی هم به علامه داشته به علامه چسبانده از علامه بالاخره یک چیزی دیده این آقا ساخته اصلا نه اینکه دیده باشد ، این دقت کنید چه می‌خواهم بگویم این نه اینکه .**

 **چون گاه گاهی می‌شود یک مطلبی مثلا در کتابی منسوب به امام عسکری بوده قال الامام العسکری ایشان برمی‌دارد یک سند ساختگی تا امام عسکری درست می‌کند همین دو نفر احمد بن یوسف بن زیاد فلان این یک راه است یک دفعه نه کل مطلب ساختگی است امام عسکری هم نگفته بوده اصلا خودش برمی‌دارد تاریخ می‌نویسد و مطالب را نقض می‌کند که امام عسکری و لذا هم احادیثش جای دیگر نیست اصلا کلا ساختگی است یعنی این شخص یکی از مصیبت‌های بزرگ این شخص این قسمت است که فقط لکن هنرش این است یعنی اگر کسی نشناسد گفت آقا بله یک آقایی آمد .**

**یک داستانی دارد این در کتاب موضوعات ابن جوزی به نظرم اسمش علی بن سلیم یک چنین اسمی که این حدثنا علی بن سلیم به او گفتند علی بن سلیم کیست گفت من نمی‌دانم یک کسی از آسمان آمد به زمین گفت من علی بن سلیم هستم چند تا حدیث گفت بعد هم پرید رفت به آسمان طار الی السماء موضوعات ابن جوزی را بیاورید ثم طار الی السماء ، دقت می‌کنید ؟**

**یعنی یک مصیبت عرض کردم یک مشکل کار این از کجا شد اگر واقعا این حرف ابن ابی العوجاء تا یک مقدارش هم صحیح باشد که من چهار هزار حدیث جعل کردم در حلال و حرام و الان بین مردم دائر است مردم به آن عمل می‌کنند خوب قطعا یک حدیث واحد این زنادقه‌ی کوفه هستند از سال 128 متاسفانه در منطقه‌ی شیعه نشین اینها ظهور کردند و آن عبارت را هم خواندیم متاسفانه این دروغ‌هایشان را هم به ائمه علیهم السلام نسبت می‌دادند یک مشکل این زنادقه در کوفه که مرکز این قسمت بود اینها آمدند این اراجیف عجیب و غریب را ، و عرض کردیم آن که به ذهن ما می‌آید این است یا در روایت ما هم دارد ، در روایت ما دارد ابن ابی العوجاء را ندارد در روایت ما دارد مغیرة بن سعید و ابو الخطاب اینها اصحابشان را می‌فرستادند مثلا این می‌رفت آنجا می‌گفت آقا من فلان بن فلان هستم بسیار خوب این کتابت را بده می‌گرفت بعد در حاشیه‌اش اضافه می‌کرد و ذیلش اضافه می‌کرد و به او برمی‌گرداند این به عنوان اینکه این شیعه است مخلص است یکی دیگر می‌گفت کتابت را بده آقا این با همان زیادات نقل می‌کرد روایت دارد از امام رضا اصلا سر جعل روایات این بود . یعین ما متاسفانه با یک مشکل سنگینی در روایات روبرو هستیم که نکته‌اش این است .**

**اهل سنت در این زمان‌ها 128 و 130 و 140 زمان امام صادق اصلا دنبال سند و اینها نبودند بعدها افتادند سال‌های 200 و 300 و اینها افتادند و آن ها یک جعال‌های خیلی رسمی داشتند آن وقت نحوه‌ی جعلشان چه بود آنها چند تا سند حفظ کرده بودند یکی‌شان احمد بن قاسم جویباری ، جویبار هرات است ها جویبار ایران نیست احمد بن قاسم درباره‌اش نوشتند کان یضع الحدیث من فوره در هر موضوعی که پیش می‌آمد کان یضع الحدیث آن وقت وضع حدیثش چه بود چند تا سند حفظ کرده بود و بزرگان هم بودند حدثنی فلان قال حدثنی فلان قال سند هم درست بود در آن موضوع جعل می‌کرد .**

**می‌گویند یک روزی در یک مجلسی نشسته بودند آخر این حسن بصری زمان عمر به دنیا آمده سال 22 ابو هریره هم که حالا به قول آقایان وفات شهادت گونه‌اش 57 است 8 است 9 است نمی‌دانم چند است یک بحثی دارند اهل سنت که حسن بصری از ابو هریره نقل کرده یا نه اصلا دیده ابو هریره را یا ندیده چون حسن بصری 22 به دنیا آمده 39 آمده بصره آیا واقعا ابو هریره را دیده یا ندیده به هر حال این احمد جویباری هم نشسته بود گفتند آقا به چه گفتی ، گفت بله حدثنی فلان عن فلان قال رسول الله ان الحسن البصری روی عن ابی هریرة یعنی اگر مثلا برای حلیم شاتقی هم مثلا در قم بحث می‌شد سند می‌آورد قال رسول الله حلیم شاتقی خیلی خوب است کان یضع**

**اینها در اهل سنت بعد شد دقت می‌کنید مثل این کم داریم ها مثل این احمد بن قاسم جویباری خیلی آدم عجیب و غریبی است .**

**یکی از حضار : احمد بن عبدالله جویباری**

**آیت الله مددی : خیلی خوب من فکر می‌کردم قاسم ، احمد بن عبدالله جویباری**

**حالا از باب واقعا نمی‌دانستم چه ما خیلی سعی می‌کنیم مرحوم آقای ملکی که به عنوان عارف و فلان ملکی معروف جواد آقا کتابی دارد لقاء الله دیدید ؟ مراقبات و لقاء الله در آنجا دارد که ای عزیز اگر هیچ کاری نمی‌کنی لا اقل این مطلب که سید عارفین و فلان مرحوم ابن طاووس در کتاب اقبال آورده لا اقل این عمل را انجام بده خوب ما هم دیدیدم حالا ایشان نوشته خیلی ، رفتیم به ابن طاووس در اقبال ، بیاورید اقبال را دیدیم از احمد بن عبدالله جویباری نقل کرده اشهر الکذابین علی الاطلاق**

**یکی از حضار : اعمالی است در ماه رمضان یا دعایی یا عملی است چیزی ؟**

**آیت الله مددی : نمی‌دانم ماه رمضان یادم نمی‌آید به نظرم ثلث اول اقبال بود آن نسخه‌ی بزرگ اقبال که من دارم آدرس داده یک جلدی بزرگ خدایا حالا ما اصلا می‌خواستم انجام بدهم آن عمل را شیخ العارفین اصلا تمام حال ما به هم خورد از این آقایی که کان یضع الحدیث من فوره می‌خواهید بیاورید در اقبال سید بن طاووس هست دیگر احمد بن عبدالله جویباری خوب یعنی واقعا آدم نمی‌دانم چه بگویم نمی‌فهمم واقعا هم می‌خواهیم حفظ مقامات بزرگان بشود و عرفا و اینها به یک مقاماتی رسیدند خوب این می‌گوید هر کاری را که نکردید لا اقل این عمل را انجام بده هر چه بود دقت می‌فرمایید در همین لقاء الله دارد یا مراقباتش**

**یکی از حضار : کان یضع الحدیث حرف کیست راجع به ایشان ؟**

**آیت الله مددی : ایشان ابن جوزی دارد بیاورید کان یضع الحدیث من فوره که ان الحسن البصری روی عن ، یعنی این یک روزی آمد در خانه دید بچه‌اش ناراحت است گفت چه شده گفت معلم من را کتک زده است گفت حدثنی فلان عن که این معلم که بچه‌ها را کتک می‌زند خدا این جوری هر موضوعی که می‌شد سند درست بود دقت می‌کنید چه می‌خواهم بگویم ؟**

**یکی از حضار : حدیثش را جعل می‌کرد**

**آیت الله مددی : درست ، یک چیزی به آن می‌چسباند این انواع این نکته‌ی فنی را دقت کنید یک دفعه طرف لذا من این نکته را عرض کردم مثل ابن ابی جمهور حالا من تازه ابن ابی جمهور را نمی‌دانم پدر یا جدش جمهور بوده یا ابن ابی جمهور که توضیحش را دادیم مثل ابن ابی جمهور بالاخره یک چیزی دیده مثل همان قام زیدٌ یک چیزی دیده یک چیزی به آن چسبانده مثلا قال زراره حالا در یک کتابی دیده ایشان یک طریقی به علامه ، علامه هم گفته از زراره برداشته چسبانده بالاخره یک چیزی دیده .**

**اما این آقا متاسفانه اصلا کلا هیچ چیزی ندیده اسم روات هم جعلی است گاهی اسم روات جعلی نیست یعنی روات موجودند سند را می‌آورد یک حدیث جعلی پشت سرش می‌آورد این احمد بن عبدالله جویباری را اگر از اهل سنت نگاه کنید در موضوعات ابن جوزی چند بار اسمش را برده ایشان چیز عجیبی است یعنی واقعا آدم تعجب می‌کند می‌گویم واقعا وقتی که من نگاه کردم ، حالا چون ما دیگر از من اصلا از نجف که بودم با این موضوعات ابن جوزی انس داشتم خیلی یعنی با آن آشنا هستم حالا دارم در اینجا اما اینقدر نمی‌خوانم نجف در اتاق مدرسه بیشتر می‌خواندم این موضوعات ابن جوزی را این یک شخص فوق العاده عجیب آن وقت سید ابن طاووس می‌خواهید در اقبال برای سید بن طاووس را بیاورید ، بله آقا ؟**

**یکی از حضار : هفت خوان جویبار کجاست ؟**

**آیت الله مددی : هرات ، هرات ، هرات هم جویبار دارد غیر از جویبار ایران ، الحمد لله برای ایران نیست هراتی است . نوشتند من جویبار هرات آن وقت بعضی از این احادیثی که فی الفور جعل می‌کرد کان یضع الحدیث من فوره مع ذلک دارند در کتاب ، حالا تعجب که به کتب شیعه رسیده آن هم به این نحو یعنی به عنوان سید العارفین و سید السالکین و**

**یکی از حضار : خوب سید در یک کتابی دیده دستورالعمل خوبی است حالا نقل کرده**

**آیت الله مددی : برداشته نقل کرده**

**یکی از حضار : اسم طرف را هم آورده است .**

**آیت الله مددی : خود همین موضوعات برای اعمال چیز را خوب چیز آورده**

**یکی از حضار : لیلة الرغائب**

**آیت الله مددی : لیلة الرغائب خوب همین سند را علامه در اجازه‌ی بنی زهره آوردند همان اسماء هستند ، یا علامه است یا ابن طاووس است .**

**یکی از حضار : در موضوعات خیلی در مورد این جویباری صحبت کرده کذاب و وضاع و فلان اما این یضع من فوره را پیدا نمی‌کنم ولی زیاد است همه چیز در موردش گفته است بقیه‌ی چیزها هر چه بوده گفته است .**

**آیت الله مددی : خوب ، پس این را یک کسی گفته من این را دیده‌ام در باره‌اش کان یضع الحدیث من فوره در آن جا نیست شاید جای دیگر دیدم این خلاصه‌ی معلومات 50 سال قبل است برای امروز و دیروز نیست حالا باید کتابش در ذهنم باشد یک اعجوبه‌ای است در نوع خودش این جویباری خبیث .**

**ما البته این را عرض می‌کنم ما هم الان عده‌ای هستند این کتاب شما هم در حدیث وضع بود می‌خواستم خدمتتان بدهم نمی‌دانم کجا گذاشتم بالا گذاشتند بچه‌ها ، آن کتاب آقا ، علیرضا پشت سرت آن کتاب یک کمی قطور است سه چهار تا کتاب به آخر مانده آن ردیف نگاه کن سه چهار تا به آخر مانده قطور است یک کمی قطورتر از بقیه است ، آها**

**یکی از حضار : این فصل الخطاب ؟**

**آیت الله مددی : نه آن نبود نه آن نیست .**

**یکی از حضار : پس بردند پایین در اتاق پایین است . یک عده‌ای الان دیدم از این جوان‌های جدید این حدیث موضوع است بابا موضوع است حساب دارد کتاب دارد اینطور نیست اینها خیال می‌کنند مثلا اهل سنت امثال جویباری را آوردند ما نداریم ما در شیعه امثال جویباری نداریم امثال آن که کان یضع الحدیث من فوره ، بله این محمد بن قاسم مفسر همین طور که ابن غضائری گفت کذاب این اصلا درست می‌کند همه را درست می‌کند با هم ، هم سند و هم متن آن وقت راهش این من دنبال این قسمت خیلی مهم این بودم برای اشتباه راه یک نام عجیب و غریبی در وسط می‌آورد که هیچ کس نمی‌شناسد ، بعد از یک مشهور نقل می‌کند این خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد ، چون تا حالا کسی توجهی نکرده این اصرار من روی توجه به این است .**

**یکی از حضار : ببخشید در عبارت حالا مثل موضوعات ابن جوزی اولین باری که این جا آورده خیلی سنگین صحبت کرده می‌گوید هذا حدیث موضوع من موضوعات احمد بن عبدالله الجویباری و هو الشیبانی وهو الهروی**

**آیت الله مددی : عرض کردم برای هرات است .**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید که قال ابو حاتم ابن حبان الجویباری کذاب دجال یضع الحدیث علی الذین یروی عنهم ما لم یحدثوا به روی عنه الوف احادیث کان یضعها علیهم لا یحل ذکره فی الکتب الا علی سبیح جرح فیه**

**آیت الله مددی : روی عنه نه روا**

**یکی از حضار : روا عنه**

**آیت الله مددی : نه روی عن هزاران حدیث از این جویباری هست که اینها اصلا باطل است از آنها نقل نکرده ، سند خوب است ظاهرا دقت کردید ؟ ظاهر سند خوب است ایشان می‌گوید الوف الاحادیث در کتب از این شخص آمده روی عنه**

**یکی از حضار : یا مثلا**

**یکی از حضار : خیلی است هزار تا**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است یعنی چیز غریبی است .**

**یکی از حضار : ما می‌گوییم کتاب‌های سنی‌ها**

**آیت الله مددی : ما نداریم ما این جوری مثل این جویباری نداریم کذاب من فوره نداریم باز این اقلا چهار تا سند حفظ بود مثلا من از آقای خوئی شنیدم می‌گفت از میرزای شیرازی این طور یعنی بلد بود از میرزای نائینی شنیدم گفت از میرزای شیرازی یعنی اسماء را هم بلد بود این آقای محمد بن قاسم استر آبادی خودش جعل می‌کند اصلا اسم جعل می‌کند ، بعدی‌اش مشهور است من از شیخ حسن مثلا نصر آبادی شنیدم که آقای گلپایگانی این جور گفت حالا این شیخ حسن نصر آبادی کیست وجود خارجی اصلا ندارد دقت می‌کنید ؟**

**یکی از حضار : یک تعریفی هم از او کرده البته حالا چون عیبش را گفتیم ، می‌گوید اما الحدیث الاول یک حدیث را در آخر کتاب می‌گوید فانه موضوع علی رسول الله ولقد افدع الذی وضعه واستر علی الشریعة وهو مشهور باحمد بن عبدالله الجویباری**

**آیت الله مددی : آخر این دارد حالا می‌خواهید پیدا بکنید بعضی وقت‌ها یک حدیثی می‌آورد که بعد می‌گوید ما ابرد هذا الوضع می‌گوید چقدر سرد است می‌گوید اصلا درست هم نتوانستند وضع حدیث بکند . آن وقت یک احادیثی دارد که آدم مثلا من الان خجالت می‌کشم برای شما بخوانم یعنی یک چیزهای عجیب و غریبی که عرض کردم صلاحیت خواندن هم الان خجالت هست در ذهنم در کتاب توحیدش نقل می‌کند .**

**علی ای چون من با این موضوعات مانوس بودم البته مرحوم نا مرحوم به قول معروف سیوطی ردی بر کتابی نوشته تلخیصش کرده اللآلی المسوعة در تلخیص احادیث در موضوع احادیث عده‌ای از احادیثش را می‌گوید موضوع نیستند ضعیفند اما موضوع نیستند .**

**یکی از حضار : نقد کرده است ؟**

**آیت الله مددی : اها همه‌ی این احادیث را ایشان آورده است مثلا همه را آورده موضوع وضعه فلان بعضی جاها تعلیق می‌زند جلال سیطوی در ، مثلا طلب العلم فریضة را ایشان آورده موضوع جزو موضوعات ابن جوزی ، سیوطی می‌گوید نه موضوع نیست اما ضعیف است ، ضعیف هست اما موضوع نیست جزو احادیث موضوعه نیست .**

**یکی از حضار : پیدا نمی‌کنم در اقبال احمد بن عبدالله روایت دارد اما جویباری ندارد**

**آیت الله مددی : خوب بخوان همان برای جویباری است دیگر بخوان نگاه کن ، کلمه‌ی جویباری دارد اصلا به نظر من**

**یکی از حضار : اقبال ندارد ، شاید جای دیگری است .**

**آیت الله مددی : نه اقبال است قطعا اقبال است ، حالا اقبال را بخوان**

**یکی از حضار : بله اقبال جلد 2 ، جلد 2 هم هست اگر جلد 1**

**آیت الله مددی : من اوائل ، نه من جلد بزرگ را دیدم**

**یکی از حضار : متوجه هستم مضمار السبق نیست جلد 2 است که ابتدای احوال شهر شوال است ، در احوال شهر شوال است فی ما نذکره من فواید شهر شوال بعد می‌گوید فی ما نذکر من فوائد شهر ذی القعدة الفصل الرابع فی ما نذکره من ما یعمل فی یوم الاحد من الشهر المذکور بعد فما فیه من الفضل المذخور وجدنا ذلک بخط الشیخ علی بن یحیی الخیاط رحمه الله و غیره فی کتب اصحابنا الامامیة وقد رویناه عنه کلما رأوه یا رواه معلوم نیست چیست ، فخطه عندنا بذلک فی اجازة تاریخها شهر ربیع الاول سنة تسع و ست مائة فقال ما هذا لفظه روی احمد بن عبدالله عن منصور بن عبدالحمید ابی امامة عن انس بن مالک قال خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم**

**آیت الله مددی : نه این احمد بن عبدالله نباید او باشد ، چون این با سه واسطه از رسول الله نقل نمی‌کند . احادیثش را از کتاب چیز بیاورید با چند واسطه از رسول الله از موضوعات بیاور ، اما من دیدم خودم دیدم شاید در نسخه‌ی اقبال من هست .**

**یکی از حضار : چیز دیگری نبوده ؟ کتاب دیگری نبوده شاید ؟**

**آیت الله مددی : نه می‌خواهید دعایش را پیدا بکند خود دعایش ، دعایش را چیز بکن کتاب لقاء الله را بیاور برای مرحوم ملکی ببینید در لقاء الله درش هست لقاء الله بیاور ای عزیز اگر نتوانی این کار را که سیر السالکین در اقبال فرموده است انجام بده .**

**یکی از حضار : چون این اصلا از امام سجاد هم نیست از پیامبر است**

**آیت الله مددی : کدام یکی آقا ؟**

**یکی از حضار : این که برداشته الان خواندم سندش را**

**آیت الله مددی : من اسم امام سجاد نبردم**

**یکی از حضار : نه سید الساجدین**

**آیت الله مددی : سید العارفین ، سالکین . ساجدین نه سالکین . لقاء الله را بیاور ای عزیز لا اقل این عمل را که مرحوم ابن طاووس در اقبال آورده است بخوان انجام بده . ندارد خیلی خوب .**

**یکی از حضار : حالا خود لقاء الله را داریم کتابش را می‌آوریم فردا**

**آیت الله مددی : نه من دارم خودم نمی‌دانم الان کجا گذاشتم ، البته ایشان می‌گوید این ابن خیاط خط ابن خیاط و اجازه‌ی ایشان مصنفات است این حدیث که به سند اهل سنت است اصلا ربطی به امامیه ندارد . این که الان خواندید گفت ابن خیاط خطش و اجازه سال 609 این ربطی به چیز ندارد که .**

**یکی از حضار : در مراقبات ایشان که همان به عربی است گفته در احوال شهر ذی القعده فرموده که اقول هذا اول شهر الحرام التی ابر اشهر الحرام التی حرم فیها القتال مع الکفار فاشتهدی یا نفسی فی حفظ قلبک و بدنک تا اینکه فرموده که واحدث فی ذلک توبة صادقة عما کنت علیه قبل دخول هذا الشهر فان عملت بما رویت من عمل التوبة فی یوم احد من الشهر المذکور تنال ما فیه من الفضل المذخور و ذلک ما روی عن رسول الله بعد هم این روایت را آورده است .**

**آیت الله مددی : ننوشته سید السالکین ؟**

**یکی از حضار : نه این نیست**

**یکی از حضار : این توبه‌ی ظاهرا یکشنبه‌ی اول ذی قعده در مفاتیح هم هست .**

**یکی از حضار : در همین کتاب مراقبات دیدید ؟**

**آیت الله مددی : من نه در لقاء الله فارسی دیدم می‌گوید ای عزیز دیگر مراقبات که نه می‌گوید ای عزیز اگر نمی‌توانی لا اقل این عمل را انجام بده حالا خیلی خوب برویم دنبال همان محمد بن قاسم بقیه‌ی روایاتش را بیاورید چند تا روایت دیگر از او بیاورید تند تند از او بیاورید .**

**یکی از حضار : شبیه این را حالا بعضی از خطبا در روضه‌هایشان می‌خوانند .**

**آیت الله مددی : خوب می‌گوید الوف الاحادیث دیگر می‌گوید الوف الاحادیث نقل شده است .**

**یکی از حضار : ببخشید این حدیث که الان خواندیم که سندش در هم ریختگی داشت این که اینجا الان خواندیم عن الحسن بن علی بن ناصر این در تفسیر نیست این متن ولی در کتاب‌های دیگر شیخ صدوق که توحید و خصال و عیون هست بعد آنجا در بعضی‌هایش عن حسن بن علی است**

**آیت الله مددی : عن ابیه**

**یکی از حضار : بله**

**آیت الله مددی : حالا رهایش کن**

**یکی از حضار : عن حسن بن علی ناصری حالا من عرضم چیز دیگری است ، مساله این است که در فقیه هم این حدیث هست و به اسم وسئل الصادق علیه السلام عن الزاهد فی الدنیا با این تعبیر شروع می‌شود سئل الصادق یعنی خود این حدیث این شکلی بود که**

**آیت الله مددی : حالا این احتمالا جزو تفسیر بوده احتمالا قسمت‌هاییش که به ما نرسیده است ، البته چون تعبیر سئل دارد شاید اشاره به این باشد که حدیث در قم چون یک بحثی دارند که ایشان چند تا بحث است یکی‌اش این است که ایشان در مشیخه گفته کل ما کان عن مثلا امام صادق به این ، آن وقت ایشان در کتاب فقیه چند جور از امام صادق نقل می‌کند گاهی اوقات می‌گوید روی جعفر بن محمد ، روی مثلا و ما کان فیه عن زراره عن جعفر بعضی‌هایش دارد روی زراره عن جعفر می‌گویند این به مشیخه بر می‌گردد .**

**بعضی‌هایش دارد که روی عن زراره عن جعفر این محل کلام است بعضی‌هایش دارد و فی روایة زرارة عن جعفر بن محمد که آیا به مشیخه برمی‌گردیم یا نه فی بعضی‌هایش دارد سأل زرارة جعفر بن محمد دقت می‌کنید ؟ خیلی تعابیری که آها ، آیا این تعابیر همه‌اش یکی است ، مثل اینجا که سئل**

**یکی از حضار : قبلش هم چیزی ندارد که بشود تعلیق کرد چون قبلش ابن فضال است اما اینجور این طور شده فسئل الصادق علیه السلام**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ این ها آمدند گفتند جاهایی که به صیغه‌ی مجهول است نزد ایشان یعنی ضعیف است ما عرض کردیم شاهد نداریم که اگر صیغه‌ی مجهول بود نزد ایشان ضعیف باشد به خاطر اینکه در دیباجه گفته جمیع ما فیه مفتی به و قبول دارم و مورد اعتماد من است با عبارت دیباجه نمی‌سازد به ذهن ما آنچه که رسید این است اگر به صیغه‌ی مجهول است مثل سئل این مرادش این است که این حدیث نزد مشایخ قم قبول نیست من قبول دارم دقت می‌کنید ؟ یا مثلا دارد روی عن زرارة می‌خواهد بگوید مشایخ قم این حدیث را قبول نکردند لکن من قبول دارم . مثلا مخصوصا در مشایخ ابن الولید ، ابن الولید این حدیث را قبول نکرده لکن من قبول دارم به نظر خودم قابل قبول است حالا بیان این مطلب و شواهدش ان شاء الله در یک فرصت دیگر . روشن شد چه می‌خواهم بگویم این صیغه‌ی مجهول به ذهن ما اشاره به این است که خود من قبول دارم ولو مشایخ خصوصا ابن الولید قبول نکند این سئل الصادق اشاره به این است شاید ابن الولید دیده از طرف این مفسر استر آبادی است قابل اعتماد نیست و مشایخ قم کذلک بعد هم نیاوردند کسی دیگر نیاورده از مشایخ قم غیر از شیخ صدوق بفرمایید .**

**یکی از حضار : این حدیث را فقط ایشان آورده است فقط آنجا دارد می‌گویم آن وقت هم این حسن بن علی بن ناصر سه جور در کتاب‌های ایشان هست الحسن بن علی بن ناصر در همین سند ، الحسن بن علی الناصر نسخه بدل الناصری دو تا هم الحسن بن**

**آیت الله مددی : البته احتمال دارد که در آثار ناصر کبیر هم باشد ، ما به یک نتیجه‌ای رسیدیم این دوستمان می‌گفتم ما هم یک مقداری داریم تحقیق می‌کنیم به این رسیدیم به نظرم در کتاب صدوق مخصوصا خیلی از این روایت مرسل قال الصادق سئل ، اینها در کتاب‌های زیدیه بوده چون مرحوم صدوق به مجلس رکن الدولة در ری می‌رفته که زیدی بوده احتمالا جزو آثار زیدیه‌ای بوده که در کتاب صدوق راه پیدا کرده است ، این باید بحث جداگانه‌ای است که باید روی خود کتاب فقیه بحث بشود احتمال اینکه الحسن بن علی الناصر احتمالش هست حالا به هر حال احتمال بعیدی نیست این نیست که حتما مسلم به این عنوان باشد اما ایشان از کتب زیدیه نقل کرده حالا قابل اعتماد بوده یا نبوده لذا مشایخ قم قبول نکردند ایشان قبول کرده .**

**حالا این حدیث باشد بقیه‌ی احادیث ایشان در امالی و اینها بخوانید تا مطلب تمام بشود آقا**

**یکی از حضار : حدیث بعدی حدیث 591 است حدثنا الشیخ الجلیل ابو جعفر اها چون ابتدای مجلس است حالا آن هم هیچ ابو جعفر قال حدثنا اول مجلس تمام شد**

**آیت الله مددی : این حدثنا الشیخ الجلیل مراد خود صدوق است ها این رسمشان بوده که کسی که کتاب دارد می‌خواند اسمش را اول می‌آوردند ، مراد از شیخ جلیل آن مفسر نیست واضح است استر آبادی غرض یک دفعه**

**یکی از حضار : نه الشیخ الجلیل ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین**

**آیت الله مددی : می‌دانم بابا خبر دارم اسم هم نمی‌آورد واضح بود الشیخ الجلیل ایشان است .**

**یکی از حضار : ابتدای مجلس است**

**آیت الله مددی : بله ابتدای مجلس ، اول مجلس را اسم ایشان را می‌بردند چرا چون ایشان امالی این بود می‌نشست از این کتاب‌هایی که نزدش بود جزواتی که بود حدیث می‌خواند آنها می‌نوشتند این اسمش امالی بود امالی اسمش این بود بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا محمد بن القاسم الاستر آبادی رحمه الله قال حدثنا عبدالملک بن احمد بن هارون قال حدثنا عمار بن رجاء قال حدثنا یزید بن هارون قال اخبرنا محمد بن عمرو عن ابی سلمة عن ابی هریرة**

**آیت الله مددی : خوب همان یزید بن هارون به نظر از بزرگان اهل سنت است آن عبدالملک را نگاه کنید هیچ کدام عنوان ندارد یعنی شخص بعدی‌اش حالا اسمش را می‌خواهید بعد نگاه کنید ، حالا چون وقت ما دارد تمام می‌شود می‌خواهم مطلب تمام بشود باز بخوان.**

**یکی از حضار : محمد بن هارون دارد یعنی برایش ترجمه‌ای ظاهرا نیست و**

**آیت الله مددی : آن یزید بن هارون چرا ؟**

**یکی از حضار : عبدالملک بن احمد بن هارون**

**آیت الله مددی : عجیب است یعنی یک تخصص عجیبی من هم متحیرم ضمنا از مکاشفات الهیه برای من بوده این را من نگاه کردم احادیثش را نشستیم در این کتاب خصال و امالی و این هم با دست نگاه کردیم آن وقت کامپیوتر نبود با دست نگاه کردیم دستی نگاه کردیم دیدیم آقا یک چیز اعجوبه‌ای است این اصلا یک چیز عجیبی است عجیب و غریبی است در این جهت حالا بفرمایید چون بعدش هم حالا بعد**

**یکی از حضار : حالا می‌خواهید می‌شود با کامپیوتر کل روات بعدی را همینطوری گفت از بیرون بدون اینکه سندها را بخوانیم**

**آیت الله مددی : خیلی خوب بخوانید .**

**یکی از حضار : اگر می‌خواهید زودتر خوانده بشود وقت گرفته نشود .**

**آیت الله مددی : بله . نه می‌گویم بعدی‌اش را بخوانید چون بعدی‌اش یا شیعه است از بزرگان اهل سنت است یا امام شیعه است نکته‌اش این است اول یک چیز عجیب و غریبی را می‌اندازد بعد از یک مشهور**

**یکی از حضار : این دیگر ترتیبش خیلی مرتب تر شد 721 حدثنا محمد بن قاسم الاستر آبادی قال حدثنا جعفر بن احمد قال حدثنا ابو یحیی محمد بن عبدالله بن یزید المغری قال حدثنا سفیان بن عیینة عن الزهری**

**آیت الله مددی : ببینید سفیان و بزرگان اهل سنت**

**یکی از حضار : ابو یحیی المغری هم فکر کنم از اهل سنت است .**

**آیت الله مددی : از اهل سنت باید باشد . بعدی‌اش را بخوانید حالا**

**یکی از حضار : باز از امام سجاد می‌شود .**

**آیت الله مددی : چیز عجیبی است ، یک مارمولک عجیبی است این شخص**

**یکی از حضار : علی بن الحسین فجائه رجل من اصحابه وقال له ما خبرک ایها الرجل والی آخره**

**آیت الله مددی : چون شنیده که مثلا سفیان ثوری از زهری از امام سجاد نقل می‌کند این برداشته است بفرمایید .**

**یکی از حضار : خیلی هم داستان طولانی است**

**آیت الله مددی : الی آخره ، یکی دو تا نیستند الی آخره**

**یکی از حضار : اینجا امالی تمام شد حالا توحید می‌شود .**

**آیت الله مددی : اشکال ندارد امالی ، توحید ، خصال هم دارد .**

**یکی از حضار : بله عرض کردم حدثنا محمد ، حدیث برای توحید ، حدثنا محمد بن القاسم المفسر رحمه الله قال حدثنا یوسف بن محمد بن زیاد**

**آیت الله مددی : این همان برای عسکری است رهایش کن ردش کن**

**یکی از حضار : محمد بن سیار عن ابویهما عن الحسن العسکری**

**آیت الله مددی : درش بعضی‌ها ابویهما دارد چون دروغ است به هر حال باشد یا نباشد دروغ ، دروغ است دیگر فرقی نمی‌کند .**

**یکی از حضار : مضمون‌هایش را هم بررسی کردید این مضمون‌هایی که نقل می‌کنند .**

**آیت الله مددی : نه این تفسیر جایی ندارد دیگر روایتش احتیاج به بحث ندارد استخراج نکردند چون جایی ندارد**

**یکی از حضار : نه جایی یعنی خود مضمونش چقدر ضعیف است از نظر محتوا**

**آیت الله مددی : محتوا تفسیرش خیلی محتوای ضعیف دارد خوب می‌گویم اولش نوشته هفت سال امام عسکری اصلا امام کل امامتش پنج سال و نیم است چطور هفت سال است ؟ یعنی اینقدر بی سواد بوده که بگوید خدمت امام هادی رسیدیم امام هادی ما را نزد امام عسکری فرستاد حالا هفت سال معقول است و الا در سامراء وارد بشویم امام هادی است خوب معلوم است یک سال و نیم قبل از وفات امام هادی است ، تصریح می‌کند سبع سنین دیشب خواندند دیگر تصریح می‌کند سبع سنین ، تازه سبع سنین پدران ما بودند بعد هم اینها چه شدند بعد رفتند بعد خبر رسید ، یک هفت ، هشت ماه هم قبل از هفت سال است طبق این حساب‌هایی که دارد بفرمایید .**

**یکی از حضار : حدثنا محمد بن القاسم الجرجانی المفسر رحمه الله قال حدثنا ابو یعقوب دوباره همان**

**آیت الله مددی : همان است نخوان دیگر توحید معلوم می‌شود همه را از تفسیر آورده است .**

**یکی از حضار : هر چه اینجا اضافه دارد می‌گوید عن فلان و فلان و ابو الحسن علی بن محمد بن سیار و کان من الشیعة الامامیة عن ابویهما**

**آیت الله مددی : این در اول تفسیر هم هست .**

**یکی از حضار : و کانا من الشیعة الامامیة**

**آیت الله مددی : این در اول تفسیر و کانا من الشیعة الامامیة بعینه خواندیم اول تفسیر هم هست بفرمایید . ظاهرا توحید همه را از همین تفسیر گرفته است ، بله رهایش کن پس برویم روی خصال .**

**یکی از حضار : این چه کسی را می‌گوید کانا من الشیعة الامامیة**

**آیت الله مددی : همین دو نفر مجهول همین دو موهوم و کانا من الشیعة الامامیة کانا**

**یکی از حضار : آن موقع مرسوم بوده شیعه‌ی امامیه**

**آیت الله مددی : ایشان حالا مثلا نوشته نمی‌دانم ، شاید به عنوان اینکه اینها از زیدیه فرار کردند نوشته که از زیدیه‌ی طبرستان فرار کردند . در خصال هم اگر دارد بخوان و الا این باب را ببندیم .**

**یکی از حضار : این جا در خصال چیز متفاوتی همین که یکی‌شان از پدرش نقل کرده حدثنا محمد بن قاسم الاستر آبادی رضی الله عنه قال حدثنی یوسف بن محمد عن زیاد که در محقق نوشته باید ابن زیاد باشد که واضح است عن ابیه عن الحسن بن علی عن ابیه**

**آیت الله مددی : از یکی‌شان یکی دیگرش نبود خیلی خوب . یعنی اگر یک مقدار اینها تامل می‌کردند**

**یکی از حضار : باقی هم با این حساب باز هم همین است بعدی هم دوباره همین طور می‌شود حدثنی محمد بن القاسم المفسر المعروف بابی الحسن الجرجانی رضی الله عنه قال حدثنا یوسف بن محمد بن زیاد**

**آیت الله مددی : الی آخره ، الی آخره**

**یکی از حضار : باز دو باره بعدی را ندارد**

**آیت الله مددی : عن العسکری**

**یکی از حضار : بله**

**آیت الله مددی : خیلی ترتیب کارش کاملا واضح است اصلا یک نگاه که آدم می‌کند می‌فهمد که این چند تا سند اهل سنت یا شیعه را بلد بوده برداشته جعل کرده خوب این یکی از آن افرادی که**

**یکی از حضار : ببخشید حالا که در مورد ترکیب می‌فرمایید در وسط فرمایش شما ظاهرا بعضی از مستشرقان مقاله‌ای نوشته بوده و گفته که این مضمون‌ها هم همین بوده یعنی مضمون‌های کلی مورد قبول شیعه یک تفسیر اجمالی را گرفته بوده خود مضامین اصلی را هم**

**آیت الله مددی : عرض کردم چون منبری بوده خطیب بوده منبری بوده یک اطلاعات عمومی داشته اهل منبر بوده مثل باقی منبری‌ها ، مثل فرض کن زمان آقای فلسفی مثلا اطلاعات عمومی داشته لکن گفت به قول معروف مرحوم آقا قائل به ربط نبودند فقط ربطش نمی‌دهد ، یعنی عرض کردم مثلا همان اوائلش دارد که رسول الله داشتند مسجد مدینه را می‌ساختند حضرت زهرا نشسته بود دو ولد حضرت زهرا هم مثل دو بچه شیر زیر بغل حضرت زهرا بودند خوب بابا وقتی وارد مدینه شدند مشغول ساخت مسجد اصلا حضرت زهرا ازدواج نکرده بود این دو تا بچه که مثل شیر باید سال‌های ششم و هفتم هجرت چون این که سال دوم هجرت است یکی سال سوم هجرت است این‌ها باید چهار ، پنج ساله باشند مثل دو بچه شیر آخر این با ساختن مسجد ، یک ساختن مسجد مدینه شنیده یک حضرت زهرا می‌گویم منبری ، هستند از این منبری‌ها هستند که قائل به ربط نیستند دیگر .**

**یکی از حضار : زمان صدوق کتاب مدون به همین شکل بوده**

**آیت الله مددی : ظاهرش همین است اما**

**یکی از حضار : و در مجموع کلا روایاتی که ایشان نقل کرده از یوسف بن محمد بن زیاد ، علی بن محمد بن سیار ، احمد بن الحسن الحسینی ، جعفر بن احمد ، عبدالملک بن احمد بن هارون بوده است .**

**آیت الله مددی : آنها را از سنی‌ها اینها را از شیعه فقط فرقش این است .**

**یکی از حضار : تنها راوی هم که در نرم افزار نشان می‌دهد اقلا همین**

**آیت الله مددی : قاسم بن محمد است .**

**یکی از حضار : فقط این نسبش هست که اگر در معجم ابن المغری درست باشد نسبش این جوری آمده نسب این آقا**

**آیت الله مددی : احتمال دارد که از سنی‌ها بوده یعنی هم شیعه بوده چون استر آباد شیعه و سنی داشته ایشان از هر دو اطلاع داشته**

**یکی از حضار: بله ایشان ابن المغری 381 که فوت کرده در معجم شیوخش دو تا حدیث نقل می‌کند می‌گوید سمعت تعبیرش هم این است سمعت محمد بن القاسم بن محمد بن عبدالله چون جدش هم درست است احتمالش زیاد است سمعت محمد بن القاسم بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر**

**آیت الله مددی : عبدالرحمن پسر ، عبدالرحمن بن قاسم ؟**

**یکی از حضار : بله ، یقول دخلت علی حسین بن**

**آیت الله مددی : عبدالرحمن بن قاسم ؟ قاسم بن محمد ؟**

**یکی از حضار : بله ابن قاسم ابن محمد بن ابی بکر**

**آیت الله مددی : قاسم من پسرش عبدالرحمن را نمی‌دانم ، قاسم پسر محمد ابی بکر است که شهید شد آن وقت محمد خود قاسم دختر عبدالرحمن را گرفته شاید بچه‌اش را هم عبدالرحمن گذاشته قاسم نوه‌ی ابوبکر است دختر عموی خودش دختر عبدالرحمن بن ابی بکر را گرفته که ام فروه دختر قاسم است که امام باقر گرفتند که عیال امام باقر ام فروه مادر امام صادق این ولدنی ابو بکر مرتین هم برای این است چون هم این ام فروه جد مادری‌اش و جد پدری‌اش هر دو به ابو بکر ، قاسم پسر محمد دختر عمویش عبدالرحمن را گرفته است ، حالا خودش هم بچه‌ای به اسم عبدالرحمن داشته من آن را خبر ندارم اما این عبدالرحمن پدر زن قاسم است خود این عبدالرحمن که ایشان اسم می‌برد**

**یکی از حضار : در این حدیث اول می‌گوید دخلت علی الحسین بن محمد فقلت یک سوالی از او پرسیده بعد حدیث دوم که این احتمال مشابهت را بیشتر می‌کند اینجاست می‌گوید حدثنی ابوالحسن الجرجانی چون آخر لقبش در اکثر چیزها ابوالحسن است الجرجانی محمد بن القاسم دوباره همین نسب ابن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر حدثنا ابو خلیفة حدثنا ابن کثیر حدثنا الشعبة عن ایوب عن ابی قلابة عن انس**

**آیت الله مددی : این به این طبقه نمی‌خورد بعید است به این مقدار باشد**

**یکی از حضار : چون می‌گوید سمعت ایشان هم 381 فوت کرده**

**آیت الله مددی : بعید است**

**یکی از حضار : اما این اسمش حالا من رد پایی در تراجم اهل سنت هم پیدا نکردم**

**آیت الله مددی : فکر نمی‌کنم .**

**یکی از حضار : ظاهرا در اجازه‌ی بنی زهره هم که آن ندبه چیز شده الان در نرم افزار انگار اشتباه دارد آنجا انگار ابو بکر آمده ولی در بقیه‌ی جاها همیشه از ایشان ابو حسن اسم برده شده است .**

**آیت الله مددی : به هر حال حالا این یکی ، یکی دیگر هم در این جهت دقت بکنید چون این یک کتاب بود یکی هم این طب الائمه که الان مرحوم نجاشی فقط اسم برده مرحوم شیخ طوسی هم اسم نبرده این نسبت داده شده به دو پسر بسطام ، ابنی بسطام عبدالله و حسین ، ابنی بسطام و که نجاشی آورده البته می‌خواهید عبارت نجاشی چون یک نکته‌ای دارد عبارت نجاشی را بخوانیم برای شما**

**یکی از حضار : اگر خسته هستید چون دیر هم شده**

**آیت الله مددی : یک کمی خسته هستم چرا**

**یکی از حضار : ... بحث را**

**آیت الله مددی : نه خود همان بخوان حسین و عبدالله ابنی بسطام ما ها الان بَسطام می‌گوییم اما ضبط کلمه را بِسطام است بعد شنیدم که افراد شاهرود هم دهاتی‌ها الان بِسطام می‌گویند چون هست الان بسطام ، الان هم بِسطام شنیدم می‌گویند .**

**یکی از حضار : آقای بسطامی فامیل ماست**

**آیت الله مددی : نه بَسطام نه بِسطام یعنی همان دهاتی‌ها شنیدم الان یک کسی که اها اهل محلی‌ها اما در متون تاریخی ضبط شده به کسر باء لکن ما الان بَسطام می‌گوییم معروف نزد ما بَسطام است لکن ضبط تاریخی شده بِسطام . من یک وقتی صحبت کردم نمی‌دانم یک شاهرودی بود چه کسی بود به من گفت الان هم آقایان در آن دوره بِسطام می‌گویند همین الان هم لهجه‌ی محلی‌شان بِسطام است و الا ما که لهجه‌مان بَسطام است من دائما بِسطام می‌گویم به خاطر هم ضبطش و هم شنیدم الان**

**یکی از حضار : معجم البلدان هم نوشته بِسطام به کسر ثم السکون ضبط را**

**آیت الله مددی : نه واضح است عرض کردم ضبطش دیدم دیگر خوب من که نقل می‌کنم خواب که ندیدم در بیداری اینها را دیدم حالا چقدر طول کشیده اینها را مراجعه کردیم خدا می‌داند اینها را ضبط‌هایش را دیدیم با دقت نقل می‌کنم بفرمایید .**

**یکی از حضار : الان برای نجاشی را هم عرض می‌کنم .**

**آیت الله مددی : دیگر حالا از خودمان تعریف نکنیم ، آخر یک آقایی به علمای نجف به عده‌ای نوشت که به نظر شما اعلم کیست آن نوشت من اعلم هستم آن فلان ، به مرحوم سید جد ما آسید ابوالحسن نوشته بود که به نظر شما اعلم کیست تقلید کنیم آسید ابوالحسن نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم تزکیة المرء نفسه قبیحة . شما هم که اصفهانی هستید خوشتان آمد ، تزکیة المرء نفسه قبیحة**

**یکی از حضار : جوابش را داده است .**

**آیت الله مددی : بله جوابش را داده است . حالا ما هم تعریف کردیم از خودمان بگوییم .**

**یکی از حضار : مدخل 79 نجاشی است الحسین بن بِسطام و قال ابوعبدالله بن عیاش هو الحسین بن بسطام ابن صابور الدیار له ولاخیه**

**آیت الله مددی : ببینید وقال ابو عبدالله بن عیاش ایشان ابن عیاش را دیده با او هم بوده مدتی هم با او بوده اصلا رفیقش بوده کان بیاورید حسن بن علی ، حسن بن عبدالله یا علی بن عیاش را بیاورید می‌گوید کان صدیقا لی و لوالدی فلان سمعت منه شیئ الکثیر الا انی رایت اصحابنا یضعفونه لذا اگر می‌خواهد مطلبی را نقل بکند به عهده‌ی او می‌گذارد می‌گوید من نمی‌دانم این مطلب درست است یا نه او گفته حسین بن بسطام بن صابور حالا چرا نجاشی این حرف را می‌زند می‌گوید من شک دارم این نوه‌ی شاپور باشد لکن ابن عیاش چون یک شاپور زیات نجاشی دارد صابور آیا این نوه‌ی اوست آن هم معلوم نیست دقت می‌کند خیلی نجاشی دقیق است از آن طرف هم به حرف ابن عیاش عمل نمی‌کند دقت کردید چه شد ؟ نمی‌گوید حدثنا می‌گوید قال یعنی می‌گوید این مطلب که ایشان نوه‌ی صابور است این را ابن عیاش گفته این ابن عیاش واقعا شانی دارد ها این حالا اگر باید یک وقتی منم باز به یک مناسبت**

**یکی از حضار : حسن بن محمد است ؟**

**آیت الله مددی : حسن بن علی یا حسن بن محمد بن عیاش الجوهری البغدادی المعروف فلان بن فلان بن عیاش ، عیاش مثلا جدش است ابن عیاش هم به این جهت به او می‌گویند ، نمی‌دانم علی یا حسن بن محمد بن فلان الجوهری البغدادی ابن فلان عیاش آن وقت ایشان 401 وفاتش است نجاشی 72 است ، یعنی ایشان در زمان ایشان 29 ساله بوده است . یعنی کاملا مرد کاملی بوده می‌گوید کان صدیقا لی و لوالدی نزدش رفتند یعنی تحمل ایشان از ابن عیاش کاملا کامل است یعنی تحمل مثلا سنین جوانی نیست ، چون ابوالمفضل شیبانی را هم اسم برد گفت که از او سمعت منه لکن**

**یکی از حضار : ببخشید مدخل 207 احمد بن محمد بن عبیدالله بن حسن**

**آیت الله مددی : آها احمد است راستی احمد است**

**یکی از حضار : ابراهیم بن ایوب الجوهری ابو عبدالله بعد کان سمع الحدیث باکثر واضطرب فی آخر عمره و کان جده و ابوه من وجوه اهل بغداد ایام آل حماد**

**آیت الله مددی : البته اینجا احتمالا وجوه مراد وجوه اجتماعی باشد چون دارد آل حمدان وجه یک امر نسبی است وجهٌ چون این یک بحثی دارند که گاهی نجاشی می‌گوید فلان وجهٌ یعنی وجهٌ من وجوه اهل حدیث یا وجه من الوجوه الاجتماعیة در قضایای لکن چون دارد آل حمدان و حماد و اینها احتمالا مراد وجه اجتماعی باشد .**

**یکی از حضار : بعد اسم کتب ایشان را که می‌برد می‌گوید رایت هذا الشیخ و کان صدیقا لی ولوالدی وسمعت منه شیئا کثیرا ورایت شیوخنا یضعفونه**

**آیت الله مددی : دیدید ؟**

**یکی از حضار : ولم اروی عنه شیئا وتجنبته وکان من اهل علم والادب القوی وطیب الشیء وحسن الخط رحمه الله وسامحه ومات سنة احدی واربع مائة**

**آیت الله مددی : 401 عرض کردم ، این اهل علم یعنی خدا بیامرزدش دروغ‌هایی که گفته است .**

**یکی از حضار : می‌گوید اضطرب فی آخر عمره**

**آیت الله مددی : می‌گوید از این دروغ‌هایی که گفته مثلا همین زیارت ناحیه‌ی مقدسه برای ابن عیاش است حالا من بخواهم به اسم‌های ایشان بگویم بعضی‌ها را اشاره می‌کند به یک توجیهی کاری حالا ، حالا یک زیارت ناحیه‌ی مقدسه که سند ندارد کلا آن که سند دارد ابن عیاش است درش و باز هم متاسفانه متاسفانه راوی از ایشان هم شیخ طوسی است که اصلا شیخ طوسی ایشان را ندیده حالا ای کاش باز چون شیخ طوسی 408 بغداد آمده**

**یکی از حضار : با واسطه نقل می‌کند شیخ طوسی ؟**

**آیت الله مددی : بله ، آن وقت شیخ طوسی هم باز عجیب تر از اینکه پسر ایشان از پدر نقل می‌کند پسر شیخ طوسی از پدرش نوشته حدثنی الوالد قال حدثنا ابن عیاش من گفتم یک نکته‌ای راجع به حدثنا من احتمال دادم برای اولین بار شاید مراد شیخ طوسی این باشد نه اینکه من شنیدم این را در بغداد گفته ابن عیاش ، روشن شد ؟ این حدیث حدثنا خودش پسر می‌گوید حدثنی الوالد اگر بیاورید زیارت ناحیه را**

**یکی از حضار : فقط شیخ در فهرست می‌گوید اخبرنا بسائر کتبه و روایاته جماعة من اصحابنا عنه بعد در این اصحابنا در پاورقی نوشته به هامش نسخة راء منهم الغضائری وابن عزور وابن اشناس من خط**

**آیت الله مددی : نه ابن عزور است حالا آن هم ابن غرور است ابن عزور ، ابن عزوّر ، ابن عزوَر چند جور این یک کسی است از مشایخ شیخ طوسی که منفرد است نجاشی هم ندارد اسمش هم درست نمی‌دانیم حالا یک احتمال دارد که حسین بن حالا باشد این بحثش برای بعد حالا آن بحث ابن عزور هم یا ابن عزوّر است یا ابن غرور است یا ابن عزور است نمی‌دانم چیست من هم هنوز شبهه دارم در صحت این کلماتی که گفته شده است .**

**علی ای حال دقت می‌کنید احتمال ما دادیم که مرحوم شیخ برای اینکه این سند حدیث زیارت ناحیه را اقلا یک جوری جورش بکنیم و الا شیخ اصلا این را ندیده اصلا ابن عیاش را ندیده است .**

**یکی از حضار : رجال هم ببخشید گفته کثیر الروایة الا انه اختل فی آخر عمره که این را در فهرست هم گفته بود ، اخبرنا عنه جماعة من اصحابنا**

**یکی از حضار : با این حدثنا چطور معنا می‌شود ؟**

**آیت الله مددی : یعنی من در بغداد ایشان گفت ها به علمای بغداد مثلا نه اینکه من شنیدم نمی‌خواهد این را اولین بار یک دفعه‌ی دیگر هم عرض کردم به شما این اولین بار این شیطنت را حسن بصری در آورد حسن بصری سال 39 می‌آید به بصره اهواز است برای خوزستان است گفتم این هم پدرش برای سبی عین تمر است جزو اسرای که یک شرحی راجع به این اسرای عین تمر دادیم پدر ایشان یسار پدر ایشان جزو آنهاست ، این حسن و ابن سیرین این دو تا خیلی تاثیر گذارند در دنیای اسلام در بصره کلا ، محمد بن سیرین و حسن بصری ، حسن هم خیلی اصلا قیافه‌ی عجیب و غریبی داشت .**

**می‌گویند یک کسی به یکی گفت می‌خواهم بروم بصره با حسن کار دارم چطور پیدایش کنم گفت نمی‌خواهد قیافه‌ای است که هیچ کس ندارد نگاهش بکنی هیچ کس ، نوشتند به اندازه‌ی یک وجب این مچ دستش بوده است به نظرم به غول اشبه بوده حالا اگر این را قیاس قرار بدهیم یک چیز عجیبی فکر می‌کنم شاید مبالغه کردند یک قیافه‌ی عجیب و غریبی برایش آن وقت ایشان اصلا سال 29 به بصره آمده امیرالمؤمنین هم سال 37 به بصره آمدند جنگ جمل دیگر بعد بصره نیامدند کوفه بودند .**

**صوفیه برداشتند گفتند حسن بصری خرقه از امیرالمؤمنین گرفته است خوب دروغ است اصلا ندیده امیرالمؤمنین را شیعه‌هایی که ضدند نوشتند نه امیرالمؤمنین حسن بصری را دیده آب می‌ریخته آب دجله حضرت می‌فرمایند تو مسرف هستی گفته تو خون مسلمانان را ریختی من آب می‌ریزم این هم دروغ است اصلا در بصره او را ندیده اصلا سال 37 در بصره نبوده یعنی هم کسانی که صوفیه بودند از آن طرف نقل کردند هم ضد صوفیه از این طرف نقل کردند که حضرت امیر به او فرموده لکل امة سامری و انت سامری هذه الامة این هم جعل است تمام این دو طرف .**

**حالا حسن بصری چون شیطان بود وقتی می‌خواست یک مطلبی را از علی بن ابی طالب چون ندیده بود امیرالمؤمنین را چه می‌گفت ، می‌گفت خطبنا علی بالبصرة این اولین بار برای اوست خطبنا علی بالبصرة نگفت من شنیدم از اهل بصره شنیده که امیرالمؤمنین این خطبه را خواندند این خطابه را در بصره روشن شد ؟ خطبنا علی بالبصرة بعد هم که زمان حجاج آمد خوب می‌دانید این جور افراد متلون هستند دیگر برای اینکه اسم حضرت را نبرد از ترس حجاج می‌گفت حدثنی ابو زینب این ابو زینب مرادش حضرت امیر بود اصلا این خطبنا این احتمال ما دادیم البته عرض کردم کسی این احتمال را نداده که این حدثنا اشاره به این باشد حتی**

**یکی از حضار : حُدثنا به مجهول این حدیث شدیم ما به معنای**

**آیت الله مددی : بعید است نه ، علی ای خطبنا علی بالبصرة به هر حال شما ابن عیاش**

**یکی از حضار : زیارت ناحیه که در مزار ابن المشهدیة**

**آیت الله مددی : یکی‌اش بی سند است دو تا زیارت ناحیه داریم یکی با سند است سند دارد یکی سند دارد یکی تاریخ هم دارد به نظرم آن که بی سند است تاریخ دارد 252 این مراد به امام هادی است ناحیه مراد امام هادی است امام مهدی نیست اما این یکی که تاریخ ندارد می‌خورد به امام زمان یکی‌اش نه برای امام هادی است ربطی به امام زمان ندارد دو تا ناحیه مقدسه داریم بابا نه یکی بحار را می‌خواهید بیاورید بله آقا ؟**

**یکی از حضار : یکی تاریخ دارد آن یکی**

**آیت الله مددی : یکی تاریخ دارد نمی‌دانم سند با تاریخ است یا سند بدون است الان آنش را من نمی‌دانم دارد خرج الینا من الناحیة المقدسة سنة مائتین و اثنتین و خمسین این به زمان امام هادی است ، این اصلا برای امام زمان نیست در بحار بیاورید در بحار هست دیگر دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : بحث امام را می‌فرمودند ناحیه ، ناحیه کنایه بوده از**

**آیت الله مددی : بله ، حالا آن عبارت را**

**یکی از حضار : این از کجاست نقل کردند منبعش**

**آیت الله مددی : آورده منبعش را الان در ذهنم نیست دیدم همین تازگی هم یعنی شاید 8 – 7 ماه پیش یک کسی آمد نزد من خواند منبعش را الان در ذهنم نیست حضور ذهن ندارم ابن عیاش روشن شد آقا این جریان ابن عیاش چطور آدم عجیب و غریبی است تازه نجاشی می‌گوید رحمه الله و سامحه .**

**آن وقت در اینجا یعنی نجاشی می‌گوید من اسم این را هم نمی‌دانم ابن عیاش اعتقادش این است که این عبدالله بن بسطام بن صابور آقایان برداشتند نقل کردند که این ، این اصلا نجاشی ملتفت نشدند قبول نداشته از اینکه نسبت می‌دهند قال ابن عیاش ابو عبدالله یعنی می‌گوید من برایم واضح نیست و الا خود نجاشی می‌گفت وهو ابن صابور و لذا چون شاپور زیات را ایشان توثیق کرده خیال کردند این نوه‌ی اوست دقت کردید به هم پاچیدگی‌هایی که پیدا شده اینها را تا بخواهیم وصل و جور بکنیم چقدر کار سنگین و مشکلی است .**

**علی ای راجع به طب الائمه دیگر الان من خسته شدم صحبت نمی‌کنیم این کتاب که راجع به نصیریه که رفیق شما نوشته اما انصافا این سند سازی تعبیر می‌کند در کتاب طب الائمه کار خوب کرده آمار گیری هم کرده و فلان و چیز عجیبی که در اینجا داشت این کتاب طب الصادقین را که گفتند تازه چاپ کردند ایشان نسبت می‌دهد به صاحب تحف العقول نشنیده بودم تا حالا این راجع به این دو تا مطلب فردا ان شاء الله ، این هم راجع به این .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**